



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

خالق جنگهای تمام عیار



همه نقش‌های آن مجموعه بر ای خودشان یک کتاب بودند، کشاورز درباره این نقش گفته است: متأسفانه خیلی هافکر می‌کردند که شعبون استخوانی همان شعبون بی‌مخ است، در صورتی که اصلاً این گونه نبود. این شخصیت در فیلمنامه علی حاتمی جان گرفت. از بازی‌های درخشان او در فیلم‌های شاخصی چون سربداران، کمال الملک، کفش‌های میرزا نوروز، سلطان و شبان در نقش خوابگذار اعظم، فیلم مادر ساخته علی حاتمی که نقش ناخلف‌ترین پسر مادر را بازی کرد که در تقابل با امین تاریخ، جنگی تمام عیار را به نمایش گذاشت و بواسطه ایفای این نقش، نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد از جشنواره فیلم فجر شد. در فیلم زیر درختان زیتون عباس کیارستمی نقش کارگر دانی متفاوت و بسیار تأثیرگذار را ایفا کرد که گویا خود کیارستمی بود. و سریال پدر سالار به کارگردانی اکبر خواجه‌بی که به جرئت می‌توان گفت حتی کسلی که چندان پیگیر هنرهای نمایشی نیستند، هیچ یک صلابت پدر سالار از ذهنشان پاک نشده است. پدر سالار سبک زندگی ایرانی بود که به گفته کشاورز، بعد از آن فیلم مردم وقتی او را در کوچه و خیابان می‌دیدند دیگر کشاورز صدایش نمی‌کردند. و او را پدر سالار می‌شناختند. همچنین در فیلم کاروان‌ها با آنتونی کوشین و در صحرای تانارها با ژان لویی ترتینیان و ماکس فون سیدوبازی کرد. این هنرمند بزرگ در اواخر زندگی هنری‌اش بعد از شکستگی از ناحیه پا، نتوانست در فیلمی حضور داشته باشد. اما با وجود کسالت لحظه‌ای لبخند از لبانش دور نشد. کشاورز برخلاف نقش‌های پر جذبه‌ای که به واسطه آن‌ها شهرت یافت قلبی بسیار مهربان و رثوف دارد. او همیشه آرزوی سلامتی و افتخار مردمان سرزمین‌اش ایران را داشت و در پاسخ به این پرسش که چه کنیم تا حال رونق‌مان خوب شود و کمتر تنش و اضطراب داشته باشیم گفته است: با خود و اطرافیان‌تان صادق باشید و هرگز دورغ نگویند چون اگر راستی و صداقت در زندگی از بین برود، پایه‌های خوبی و مهربانی هم فرومی‌ریزد و زندگی به یک جهنم واقعی تبدیل خواهد شد. استاد کشاورز در تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۹ به علت کهنسنت سن دارفانی را وداع گفتند. یادش گرمی و روحش جاودان.

سمیه خاتونی - در ۲۶ فروردین ماه سال ۱۳۰۹ در محله سپهران، به دنیا آمد، خاندان کشاورز اصالتاً از ارامنه گرجستان بودند که در زمان شاه‌عباس به ایران آمده و مسلمان شدند. محمدعلی فرزند دوم این خانواده بود. پدرش کدخدای خانه‌اشان محلی برای حل و فصل مسائل روستائیان، مادرش برایش شاهنامه می‌خواند و پدر برایش مثنوی تشریح می‌کرد. باب آشنایی محمدعلی با هنر از میان گفتگوهای باز شد که ساعت‌ها با پدرش از گذرگاه ادبیات و هنر می‌گذشت. پدرش بزرگترین مشوق او در مسیری است که با استادی در آن ماندگار شد. در نوجوانی به واسطه دوستانش در منطقه جلفا و معلم ارمنی‌اش با هنر و تأثیر آشنا شد و از همان جا ثابت قدم تصمیم گرفت در خانه تئاتر و نمایش سکنی بگذرد. از نظر او ارامنه نقش موثری در ماندگاری و جریان هنری ایران ایفا کردند اما نامشان خیلی ماندگار نشد. کشاورز برای تحصیلات آکادمیک در رشته تئاتر به تهران آمد و در هنرستان هنر پیشگی همراه با اسماعیل سنگله درس خواند. و به دانشکده هنرهای دراماتیک وارد شد. او از فارغ التحصیلان رشته نقشه‌برداری نیز بود و به اقتضای تحصیلاتش در رشته نقشه‌برداری، مدتی در سازمان جغرافیایی ارتش شاغل بوده است. و مجری‌گری برخی برنامه‌های مربوط به نقشه‌برداری در صداوسیما به عهده وی بوده است. کشاورز در دانشکده پزشکی نیز پذیرفته شد. اما به دلیل علاقه زیادی که به بازیگری داشت از تحصیل در این رشته انصراف داد و به بازیگری پرداخت. در سال ۱۳۵۲ با مونا طاهری از دواج کرد که به جدایی انجامید و پس از آن دیگر ازدواج نکرد. حاصل این ازدواج دختری به نام نلی است که در بازیگری و در رشته نقاشی تدریس می‌کند.

اولین فعالیت هنری محمدعلی کشاورز بازی در تله‌تئاتر خودکشی به کارگردانی علی نصیریان در سال ۱۳۳۹ بود و بعد از آن در نمایش‌هایی چون، آنتیگون، ادیپوس شهریار، بازی لستریندیرگ و... بازی کرد. سپس در مجموعه تلویزیونی دایی جان ناپلئون به کارگردانی ناصر تقوایی بازی کرد که در سال ۱۳۵۵ از تلویزیون پخش می‌شد. در سال ۱۳۵۸ با هنر نمایشی در نقش شعبون استخوانی در سریال هزارستان شاهکار علی حاتمی محبوب شد. که در واقع

مردی از نسل آفتاب، از تبار خاطره‌سازان

دنیای پرهیله‌وی هنر با موج‌هایی از پی هم شبان می‌گذرد. لندک‌اند کسانیه که به یکباره زمان برایشان از حرکت می‌ایستد و تجسمی از آنان برای همیشه روی دیواره ثبت می‌شود. و در قاب ثلثی روی دیوار زمان به یادگار می‌ماند. آن‌ها که ما را در تحمل این گذار سخت یاری می‌دهند. در تونل تاریک زمان قدم می‌زنیم و علقه مجموعه‌عکس‌هایی روی دیوار می‌شویم. به محمدعلی کشاورز که می‌رسیم پای مان دیگر نای حرکت و گذار از او را نداریم. چقدر دلمان می‌خورد در این ایستگاه معطل بمانیم. و به ریش‌های سپیده چشمان بغض آلودش خیره شویم. و در میانه خاطره‌بازی با نقش‌پردازی‌هایش غرق شویم. او محمدعلی کشاورز است خالق شعبون استخوانی که به‌مستی و پلشتی‌هایش در خیابان‌های هزارستان از یادمان نمی‌رود. او که در عصبانیتش از زه‌ت‌ن‌مان می‌لداخت. و تاریخی از ایران را برای مادر یک صحنه نقاشی باعلی حاتمی ثبت می‌کرد. برلستی که باعلی حاتمی همه چیز جان دارد. حتی کوزه و گلدان‌های شکسته در کوچه‌پس‌کوچه‌های سنگفرش شده شهر کغزالی، مکان خاطره‌بازی اسطوره‌های سینمایی ایران. که هرگز تکرار نشدند. کسلی که گویا زندگی‌شان در کوچه پس‌کوچه‌های این شهر که در خاطره ادامه یافت. او خالق پدر سالار است. با صلابتی بی‌بدیل در یک خانقج‌ری. که رویارویی‌اش با جمیع‌عشیخی در جنگی هواخواهانه از عشق‌شان به فرزندان، نفس را در سینه ماهر یک‌شبه شب حبس می‌کرد. او یادآور ایلمی است که شب‌هایش همه بلند بودند. سفره پر محبت مادری که همیشه باز بود و چشم‌های خیره جمعی ما که به‌قاب تلویزیون خیره می‌موند تا او برای ما خاطره بسازد. او فاتح موسیقی هر فیلمی بود که در آن هنر نمایشی می‌کرد. برآستی که استاد محمدعلی کشاورز در هر نقشی برای ما دوست داشتنی بود. او اعتبار آبروی هنرهای نمایشی در ایران بود. چه در تلویزیون چه در تئاتر و چه بر روی پرده سینما. اندازه او با هر قلبی برای همیشه شگفت‌آور بود. مردی از نسل آفتاب که از ده‌می هنر کشور ایران طلوع کرد. از تبار حلقه‌ای که در نقاشی‌های صحنه‌ای علی حاتمی جان گرفتند. او در کنار جمشیدمشایخی، داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، وزنه خود را در تصویر به رخ سینما کشیدند. و عیار خود را داشتند. آنها از تبار خاطره‌سازان بودند.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



همراه اول

www.mci.ir